

روش‌شناسی تفسیری کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام» از آیت‌الله مکارم شیرازی

حسن خواجوند صالحی / دانشجوی دکتری تفسیر و علوم قرآن مؤسسه عالی امام حسن عسکری علیه السلام آمل

h.salehi110@chmail.ir  orcid.org/0000-0002-2834-7052

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

چکیده

امروزه روش‌شناسی مباحث علوم و معارف قرآنی و روش‌های تفسیری مفسران یک ضرورت غیرقابل انکار است. این نوشتار درصدد است تا با تعمق در یکی از منبع‌گرانسنگ «مدیریت و فرماندهی در اسلام»، نوشته آیت‌الله مکارم شیرازی ابعاد و روش‌های استفاده‌شده در این کتاب در موضوع «فرماندهی و مدیریت» را شناسایی، استخراج، طبقه‌بندی و شرح و تفسیر نماید. این مطالعه از نظر هدف «کاربردی»، و از نظر ماهیت «کیفی» است و رویکردش روش «تحلیلی - توصیفی» بوده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به پژوهش پرداخته است. نتایج تحقیق حاضر حاکی از تأثیر جهان‌بینی انسان‌ها در روش زندگی، در امان ماندن قرآن از گرفتاری در دام رکود و درج‌زدگی، بهره‌گیری درست و روشمند از روش «جری و تطبیق»، نمایاندن چهره‌ای نو و متناسب با نیازهای روز از قرآن با تفسیر «عصری و روزآمد» است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، مدیریت و فرماندهی، هستی‌شناختی، روایی و نقلی، عقلی و اجتهادی، اجتماعی و روزآمد.

یکی از موضوعاتی که در بستر گسترش مباحث مربوط به علوم و معارف قرآنی در دوره اخیر مدنظر تفسیرپژوهان و محققان اسلامی قرار گرفته شناخت روش‌های مفسران است. ضرورت توجه به این مبحث از آن روست که درک صحیح کتاب خداوند متعال آرمان هر مسلمانی است و دستاورد علمی مطمح‌نظر از تدبر در قرآن، و دستاورد عملی آن عبارت است از: التزام به احکام و معارف قرآن در حوزه ایمان و عمل و دعوت و تبلیغ.

تنها چیزی که انسان را در جهت فهم درست قرآن یاری می‌دهد، عبارت است از: تفسیر صحیح و مطلوب آن، به‌گونه‌ای که مقاصد آن را معلوم و معانی آن را روشن گرداند و پرده از روی گنجینه‌های معارف و اسرار و رموز آن بردارد و پیچیدگی‌های آن را برای قلوب و عقول بگشاید و بهترین و علمی‌ترین روش در تفسیر قرآن آن است که بر پایه اصول و مبانی محکم و قواعد علمی استوار باشد و مسیری مشخص با راهکارهای سنجیده و معین و ضوابط روشن داشته باشد (قرضاوی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۹).

در این پژوهش کتاب **مدیریت و فرماندهی در اسلام**، اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، از مفسران معاصر تشیع، بر مبنای معیارها و نظریه‌های روش‌شناسی تفسیری بررسی گردیده است. برگزیدن این کتاب از بین کتاب‌های متعدد مؤلف، بدین علت است که قریب چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد؛ انقلابی که با رهبری امام خمینی^ع، فرزانه دوران، شکل گرفت. یکی از اهداف متعالی و مهم انقلاب ارائه الگویی از مدیریت اسلامی و نمادی از جامعه اسلامی به جهانیان بوده تا پیام انقلاب را که همان پیام اسلام ناب محمدی است، به تمام دنیا صادر نماید.

هر دانشی نیازمند بررسی تاریخ و سیر تحول آن است. دانشمندان در گذشته در بسیاری از علوم به بحث‌های کلی بسنده می‌کردند و چندان به اشعابات توجهی نمی‌نمودند؛ ولی با پیشرفت زمان و تخصصی شدن علوم هر بخشی از دانش، خود به یک علم مستقل تبدیل شد. در این باره **علوی‌مهر** (۱۳۸۱)، مؤلف کتاب **روش‌ها و گرایش‌های تفسیری** می‌نویسد: روش‌های تفسیری نیز چنین است؛ دانشمندان علوم قرآنی در گذشته در میان مباحث علوم قرآن یا مقدمه کتاب‌های تفسیر، به شکل بسیار جزئی از آن بحث می‌کردند.

برای نمونه، مرحوم **طبرسی** در مقدمه **مجمع البیان** «تفسیر مأثور» و «تفسیر به رأی» را مطرح کرده و اولی را صحیح و دومی را مردود شمرده است

بدرالدین زرکشی نیز در جلد دوم کتاب **البرهان فی علوم القرآن**، نوع چهل و یکم را به بحث تفسیر، تأویل و شیوه تفسیر قرآن اختصاص داده و بهترین شیوه را «تفسیر قرآن به قرآن» دانسته است.

همچنین **جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی** (۱۳۸۰) در جلد دوم **الاتقان فی علوم القرآن** به این موضوع پرداخته است.

این کتاب‌ها هرچند مرجع خوبی برای دانش «روش‌های تفسیری» به‌شمار می‌روند، ولی موضوع آنها چیز دیگری است؛ مانند شرح‌حال مفسران، آثار تفسیری آنها، مقدمه تفسیر و غیر آن. اما امروزه کتاب‌های مستقلی درباره روش‌های تفسیر قرآن نگاشته شده که برخی از آنها عبارتند از:

- *مذاهب التفسیر الاسلامی، گل‌نزیهر (مستشرق آلمانی)، ترجمه عبدالحلیم نجار؛*

- *مناهج فی التفسیر، مصطفی صاوی الجوینی؛*

- *اتجاهات التفسیر، عفت محمد شعرقاوی؛*

- *مبانی و روش‌های تفسیری، عباس‌علی عمیدزنجانی؛*

- *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، سلیمان فهد رومی؛*

- *دراسات فی التفسیر و المفسرون، عبدالقهار داود العانی؛*

- *مناهج المفسرین، مساعد مسلم آل جعفر؛*

- *التفسیر و مناهجه، سیداحمد عبدالغفار؛*

- *التفسیر و المفسرون، محمدحسین ذهبی؛*

- *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمدهادی معرفت.*

در سال‌های اخیر، افزون بر کتاب‌های مستقل در این زمینه بعضی از پژوهشگران به بررسی روش تفسیری برخی از مفسران معروف، مانند طبرسی (مجمع‌البیان) و شیخ طوسی (تبیان) پرداخته‌اند؛ از جمله:

- *اکبر ایرانی قمی، روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان؛*

- *حسین کریمیان، طبرسی و مجمع‌البیان، در دو جلد؛*

- *علی اوسی، الطباطبائی و منهجه فی تفسیره المیزان.*

نیز درباره *التفسیر الکبیر (فخررازی)*، *الکشاف (رمخسری)* و *المنار (محمد عبده و شاگردش رشید رضا)* کتاب‌هایی نوشته شده است (علوی‌مهر، ۱۳۸۱، ص ۵۸-۵۷).

۱. مشخصات کلی کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

۱-۱. انگیزه مؤلف

مؤلف *مدیریت و فرماندهی در اسلام* در آغاز کتاب، انگیزه نگارش کتاب را «تدوین اثری فشرده با ضوابط مدیریت و فرماندهی اسلامی» ذکر کرده است:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و خلع‌ید از کارگزاران رژیم ستمشاهی و قرار گرفتن جمعی از عناصر مؤمن در مشاغل حساس مدیریت و فرماندهی، خلأئی در این زمینه احساس می‌شد. این خلأ به علت آن بود که ضوابط مدیریت غربی که با تمام قدرت بر نظام‌های گذشته حکومت می‌کرد، فروریخته بود و هنوز ضوابط مدیریت اسلامی

برای جانشینی آن مشخص نبود. به همین سبب، از سوی نهادهای تلاش‌هایی برای یافتن یک اثر اسلامی در زمینه مدیریت و فرماندهی صورت گرفت و جزوه‌هایی تهیه شد. بدین‌روی چاره‌ای نبود، جز اینکه آستین بالا زده، با استفاده از آن منابع غنی و سرشار، کتابی - هرچند فشرده - در این زمینه آماده سازم؛ شاید سرآغازی باشد برای یک حرکت وسیع درخصوص این مسئله مهم اسلامی و اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰).

۱-۲. معرفی اجمالی کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

مدیریت و فرماندهی در اسلام یکی از قوی‌ترین پژوهش‌های دینی در موضوع «مدیریت اسلامی» است. این کتاب به توضیح مباحث ذیل از دیدگاه دینی و قرآنی می‌پردازد:

۱. ضرورت تشکیلات و اهمیت مدیریت؛
۲. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ مدیر و فرمانده بی‌نظیر؛
۳. مسئولیت‌ها و وظایف دهگانه یک مدیر و فرمانده؛
۴. صفات و شرایط مدیران و فرماندهان اسلامی؛
۵. آفات مدیریت (سی آفت مهم برای مدیریت)؛
۶. نمونه‌هایی از ویژگی‌ها و شرایط مدیریت و فرماندهی در اسلام؛
۷. توصیه‌های مهم به فرماندهان و مدیران.

در این کتاب، حکومت اسلامی اهرمی برای وصول به چهار هدف بزرگ معرفی گردیده که عبارتند از:

۱. آگاهی بخشیدن به انسان‌ها؛
۲. تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی؛
۳. اقامه قسط و عدل به صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه؛
۴. آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت.

۱-۳. جنبه هستی‌شناختی و جهان‌بینی اسلامی

آیت‌الله مکارم شیرازی در این کتاب، یکی از امتیازات و مشخصات انسان را این می‌داند که بدون عقیده و هدف و - یا به تعبیر دیگر - بدون اتکا به یک ایدئولوژی نمی‌تواند زندگی کند.

اختلافی که انسان‌ها در جهان‌بینی دارند تأثیر زیادی در روش زندگی آنها دارد. اختلاف جهان‌بینی بر انتخاب روش‌ها در تأمین نیازهای جسمی و مادی و روحی تأثیر بسزایی دارد؛ یعنی نگاه مادی به جهان، بایددهایی را به انسان تجویز می‌کند که متفاوت از بایددهایی است که در نگاه فرامادی وجود دارد.

مؤلف **مدیریت و فرماندهی در اسلام** از این روش به خوبی بهره گرفته است که در اینجا به اجمال به ذکر چند

نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱-۳-۱. ضرورت جهان‌بینی اسلامی برای مدیریت اسلامی

آیت‌الله مکارم شیرازی مدیریت و فرماندهی را نوعی ایدئولوژی می‌داند؛ یعنی نوعی از «بایدها» است. «بایدها» همیشه از «هستی‌ها»؛ یعنی از «جهان‌بینی» سرچشمه می‌گیرد و رابطه‌ای محکم و منطقی میان «جهان‌بینی» و «ایدئولوژی» وجود دارد. بنابراین، چون در مدیریت و فرماندهی با یک سلسله «بایدها» سروکار داریم طبعاً باید ببینیم چه واقعیت‌هایی است که این بایدها را به دنبال خود می‌کشاند؛ و چون مدیریت و فرماندهی اسلامی مطرح است، قهراً جهان‌بینی هم باید جهان‌بینی اسلامی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴).

۱-۳-۲. نظام هستی؛ نظامی تشکیلاتی با یک فرمانده و مدیر کل

از منظر آیت‌الله مکارم شیرازی مجموعه عالم هستی یک نظام عظیم تشکیلاتی و همچون یک اداره بزرگی است که با یک مدیریت مقتدر و توانا و بی‌نهایت آگاه اداره می‌شود. ایشان در این باره می‌نویسد:

جالب اینکه در میان اوصاف خداوند در قرآن مجید، کلمه «رب» بیش از همه جلب توجه می‌کند. ارباب لغت معانی زیادی، از جمله پنج معنای زیر را برای «رب» ذکر کرده‌اند: «مالک، مدیر، مربی، قیم، منعم» (لسان العرب، ماده «رب») که در مجموع آنها، مسئله «مدیریت» به خوبی نمایان است؛ و بعضی دیگر در معنی این واژه، مفهوم «المالک المصلح» را ذکر کرده‌اند که موضوع مدیریت را به شکل واضح تری منعکس می‌کند. بنابراین، وقتی که ما از دیدگاه قرآن نگاه می‌کنیم، خدا را به صورت یک فرمانده و مدیر کل در عالم هستی می‌بینیم (همان، ص ۱۵).

۱-۳-۳. هم‌رنگی انسان موحد با اصول و نظام‌های عالم هستی

از دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، با نگاه توحیدی به جهان، مجموع عالم یک واحد تشکیلاتی منسجم و تحت حاکمیت «الله» را به خود اختصاص داده است. قرآن می‌فرماید: مسلمانان باید خودشان را با نظام کل عالم تطبیق بدهند، «وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ»؛ و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت. بلافاصله نتیجه‌گیری می‌کند «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ»؛ تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) (رحمان: ۸و۷)؛ یعنی شما که قطره‌ای از این اقیانوس بیکران و ذره‌ای از دشت پهناور و جزء کوچکی از این عالم بزرگ هستید، مگر ممکن است از نظم حاکم بر آن مستثنا باشید و بی‌حساب و کتاب زندگی کنید؟! مگر وصله ناهم‌رنگ در این عالم ممکن است؟! وظیفه یک انسان موحد و متعهد و هوشیار این است که قبل از هر چیز، خوشتن و جهانی را که در آن زندگی می‌کند، بشناسد و از اصول و نظام‌هایی که بر این عالم وسیع حاکم است، تا آنجا که در توان دارد، آگاه گردد و همان اصول را در زندگی اجتماعی خود به کار گیرد که بزرگ‌ترین رمز پیروزی، شناخت همین نظام‌های تکوینی و به‌کارگیری این سنت‌های الهی در نظام‌های تشریحی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸).

بنابراین، فرماندهی و مدیریت یک نوع «ایدئولوژی» است که براساس نوع نگاه توحیدی انسان به جهان، رنگ و بوی توحیدی به خود گرفته و انسان مسلمان موحد باید کیفیت مدیریت زندگی دنیایی خود را در راستای اهداف نظام توحیدی صرف نماید.

۲. روش‌شناسی تفسیری کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

مقصود از «روش تفسیری» مستند و یا مستنداتی است که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آنها بهره گرفته‌اند که از آن می‌توان به «منهج تفسیری» نیز تعبیر کرد. این مستند، یا نقل است و یا عقل. به تفسیرهایی که با استناد نقل معانی آیات فهم و درک می‌شود، «تفسیر به مأثور» می‌گویند و روش تفسیری آنها را «تفسیر اثری» می‌نامند که خود دارای اقسامی است. اما تفسیرهایی که با استناد عقل و مدرکات حوزه اندیشه و تدبر فراهم آمده «تفسیرهای اجتهادی» می‌گویند و روش تفسیری آنها را «تفسیر عقلی» می‌نامند که آنها نیز دارای اقسامی هستند (مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

این مقاله با محوریت کتاب گرانسنگ *مدیریت و فرماندهی در اسلام* جمع‌آوری شده و روش‌هایی را که *آیت‌الله مکارم شیرازی* در این کتاب به کار بسته مطرح نموده و هریک را در حد توان شرح داده است. روش‌های بررسی‌شده در این مقاله عبارتند از: روش «روایی و نقلی»، روش «عقلی و اجتهادی»، و روش «اجتماعی و روزآمد».

۱-۲. روش روایی و نقلی

روش «روایی و نقلی» آن است که در تفسیر آیه، از اثر و نقل استفاده می‌شود، خواه آن اثر و نقل آیات دیگر قرآن باشد، یا کلام معصوم و یا کلام غیرمعصوم؛ مانند صحابه. در تفسیر به مأثور، اصل همان اثر است و اجتهاد و نظر نقش مهمی در آن ندارد. در ذیل، به دو نمونه (تفسیر «قرآن به قرآن» و تفسیر «قرآن با روایت») اشاره می‌گردد:

۱-۲. تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر «قرآن به قرآن» یعنی: استفاده - حداکثری - از آیات دیگر قرآن برای تبیین مراد آیه‌ای دیگر که موضوع و محتوای آنها یکسان یا نزدیک به هم است (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۸۷). در این روش دستیابی به مراد واقعی خدای متعال با توجه به آیات دیگر قرآن کامل می‌گردد. این روش از گذشته مورد عنایت مفسران قرار داشته و برخی از مفسران مانند *فخررازی* (ت ۶۰۴) این روش را مستقیم‌ترین راه فهم قرآن شمرده و امروز نیز این روش بیشترین طرفداران را به خود اختصاص داده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۹۰).

برجستگی جایگاه روش تفسیری «قرآن به قرآن» نزد معصومان علیهم‌السلام و مصونیت بالای آن از خطاهای تفسیری، در فرض به کارگیری روشمند، سبب شده است تا مفسران و تفسیرپژوهان از این روش به عنوان نخستین، بهترین و سالم‌ترین روش تفسیری یاد کنند. این تیمیه در مقام بیان بهترین روش تفسیر می‌نویسد:

فان قال قائل: فما أحسن طرق التفسير؟ فالجواب ان أصح الطرق في ذلك أن يفسر القرآن بالقرآن
فما أجمل في مكان فائه قد فسر في موضع آخر و ما اختصر في مكان فقد بسط في موضع آخر، فان
أعياك ذلك فعليك بالسنة (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸).

محورهای عمده تفسیر «قرآن به قرآن» در کتاب مدیریت و فرماندهی در اسلام را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

۱-۱-۲. توسعه‌بخشی به واژگان قرآنی با آیات دیگر

گاهی یک آیه قرآن حامل واژه‌ای است که از حیث معنایی، محدود و ضیق است؛ ولی اگر دیگر آیات قرآن که همان واژه را دربر دارد ملاحظه گردد، معنای واژه وسعت یافته، دامنه آن گسترده خواهد شد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تعیین معنای «امانت» در آیه ۵۸ سوره «نساء» از این روش استفاده کرده و با ضمیمه کردن آیه ۷۲ سوره «احزاب»، معنای «امانت» را از «مسائل مالی» به «مسئولیت‌ها و تکالیف اجتماعی و مقام رهبری» توسعه بخشیده است.

با توجه به گستردگی مفهوم «امانت» در منابع اسلامی، بدون شک هر مقام و پستی که به مدیر و فرماندهی سپرده می‌شود از مهم‌ترین امانات الهی و اجتماعی است. امانت ذکرشده در آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»، امانت منحصر به مسائل مالی - آنچنان که گاه توده مردم از آن می‌فهمند - نیست، بلکه مهم‌تر از آن، پست‌های مهم و مخصوصاً مقام رهبری حکومت است، و جالب اینکه بلافاصله بعد از آن می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛ هنگامی که در میان مردم حکومت کردید با عدالت حکومت کنید! و این بیانگر ارتباطی است که در میان این دو وجود دارد.

«امانت» از نظر اسلام، حتی مفهومی از این گسترده‌تر دارد و تمام مسئولیت‌ها و تکالیف را شامل می‌شود؛ چنان که در آیه «امانت» می‌خوانیم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲)؛ ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم. آنها از حمل این امانت ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان این بار را بر دوش کشید! او بسیار ظالم و نادان بود (چراکه قدر این مقام بزرگ را ندانست و برخود ستم کرد) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۱).

۲-۱-۲. جری و تطبیق

امت اسلام بر جاودانگی قرآن و پاسخ‌گویی آن به نیازهای بشریت در همه عصرها اتفاق نظر دارند و همواره بر آن تأکید می‌کنند. احیای روش «جری و تطبیق» و بهره‌گیری درست و روشمند از آن، یکی از کارآمدترین

شیوه‌هایی است که قرآن را از گرفتار شدن در دام رکود و درج‌زدگی ننگه می‌دارد و حضور فعال، مؤثر و همیشگی آن را در سراسر تاریخ گذشته، حال و آینده نمایان می‌سازد. این نکته را در روایتی از امام باقر^ع به خوبی می‌توان مشاهده کرد:

لَوْ أَنَّ آيَةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أَوْلِيَاكَ الْقَوْمُ مَاتَتِ آيَةُ لِمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ، وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوْلَاهُ عَلَىٰ آخِرِهِ «مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتَلَوْنَهَا [وَ] هُمْ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۱۰)؛

آیات قرآن که درباره گروه‌های خاصی نازل شده، اگر با مردن و از بین رفتن آن گروه‌ها، عمر آیات نیز به پایان رسد [و به گذشتگان محدود شود]، دیگر اثری از قرآن به جای نمی‌ماند، و حال آنکه قرآن آغاز تا پایانش به درازای عمر آسمان‌ها و زمین جاری خواهد شد و برای هر قوم و گروهی [در آینده] آیه‌ای در قرآن وجود دارد که آن را تلاوت می‌کنند [و می‌یابند که وضعیت آنان مشابه وضعیت کسانی است که آیه درباره ایشان نازل شده] و آنان در قلمرو یکی از دو دسته آیات خیر یا شر قرار خواهند گرفت.

علامه طباطبائی معتقد است:

این خود سلیقه انچه اهل بیت^ع است که همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کنند، هر چند اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد. عقل هم همین سلیقه و روش را صحیح می‌داند؛ برای اینکه قرآن به منظور هدایت همه انسان‌ها در همه ادوار نازل شده تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند و آنچه باید بدان متخلق گردند و آنچه که باید عمل کنند، هدایت کند؛ چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص و یک حال مخصوص نیست، آنچه را قرآن فضیلت خوانده در همه ادوار بشریت فضیلت است، و آنچه را ردیلت و ناپسند شمرده همیشه ناپسند و زشت است، و آنچه را که از احکام عملی تشریح نموده، نه مخصوص به عصر نزول است و نه به اشخاص آن عصر، بلکه تشریحی است عمومی و جهانی و ابدی (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۶).

آیت‌الله مکارم شیرازی نه تنها از این شیوه زیبا و روش نمونه دور نبوده، بلکه آن را اساس کار خود در بیان معانی آیات قرار داده و در موضوعات گوناگون مرتبط با مدیریت، از آیات مناسب و مرتبط بهره جسته است. در ذیل، به چند نمونه از جری و تطبیق به کاررفته در کتاب *فرماندهی و مدیریت* اشاره می‌گردد:

مثال ۱: در آیه ۶۲ سوره مبارکه «نور» درباره مؤمنان راستین چنین آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ». معنای ظاهری این آیه اجازه گرفتن از پیامبر^ص قبل از پراکندگی است. اما از منظر *آیت‌الله مکارم شیرازی*، آیه مذکور بیانگر یک دستور انضباطی تشکیلاتی است که مسئله اعمال مدیریت را، حتی در نظارت بر مسئله «حضور و غیاب» منعکس می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹).

مثال ۲: آیه شریفه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَلاَ تَجَسَّسُوا وَلاَ يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲). در زمینه مسائل اخلاقی - اجتماعی سه حکم اسلامی (اجتناب از گمان بد، تجسس و غیبت) بیان شده است. آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به آیه می‌نویسد:

مدیر اسلامی هرگز نباید در زندگی خصوصی افراد خود تجسس کند که هم برخلاف دستور صریح قرآن است و هم مایه سلب اعتماد افرادی می‌شود که تحت پوشش مدیریت او قرار دارند و سوء ظن آنها را برمی‌انگیزد. قرآن مجید در این زمینه دستور حساب‌شده‌ای دارد: در این آیه، نخست از سوء ظن و بدگمانی که از آفات مدیریت است، نهی شده و به دنبال آن از تجسس و سپس غیبت؛ چراکه این سه در ارتباط با یکدیگرند. «سوءظن» مایه «تجسس» و موجب «غیبت» می‌گردد و نتیجه همه آنها متزلزل شدن پایه‌های اعتماد متقابل در هر تشکیلات است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۱۲).

مثال ۳: در آیه ۵۵ سوره مبارکه «یوسف» آمده است: «إِجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛ (یوسف به شاه) گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم. آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به این آیه می‌نویسد:

فرماندهان و مدیران باید از چنان قدرت و امانتی برخوردار باشند که از یک سو برنامه‌های کار خود را با قاطعیت پیش برند و هم از سوی دیگر اسرار و اموال آن تشکیلات را حفظ و پاسداری کنند. در قرآن مجید در سوره یوسف روی دو معیار «آگاهی» و «امانت» تکیه شده است (تحت عنوان «حفیظ» و «علیم» بودن)، هنگامی که عزیز مصر از یوسف دعوت کرد که در کشور مصر عهده‌دار پست مهمی شود (تا مردم را در سال‌های قحطی شدید که انتظار آن می‌رفت از خطرات حفظ کند). «تعهد» (پاکدستی، تقوا و التزام به کار) و «تخصص» دو عنصر اساسی برای مدیریت صحیح در تمام جوامع دنیاست که در آیه فوق نیز به آن توجه جدی شده است. «تعهد» و «تخصص» دو بال حرکت در مسیر پیشرفت است. متأسفانه آنچه در جامعه شیوع دارد، یا تخصص بدون ایمان و تقواست و یا ایمان بدون تخصص و مهارت است. چه بسا اقدام بدون تخصص فاجعه به بار آورد؛ آنچنان که تخصص بدون ایمان (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۰).

۲-۱-۲. تفسیر قرآن به سنت (تفسیر روایی)

قرآن کریم با توجه به ابعاد نامتناهی‌اش، روش‌هایی را در تفسیر خود می‌طلبد و هر روش در نوع خود، پرده تاریکی از قرآن کریم برمی‌کشد، و تاکنون روش جامع و کاملی در تفسیر قرآن ارائه نشده است. روشی که اینک درصدد بررسی آن هستیم تفسیر قرآن به قول و گفتار پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ است که به تفسیر «القرآن بالسنة» موسوم است. مقصود از این روش آن است که قرآن کریم را می‌توان به وسیله روایات و اخبار تفسیر نمود؛ زیرا روایات از جمله مهم‌ترین منابع تفسیری به شمار می‌آیند. روایات تفسیری در کتب تفاسیر نقلی،

مانند تفسیر القمی و فرات الکوفی و کتاب التفسیر عیاشی و نورالتقلین و البرهان و جز آنها جمع‌آوری شده است (ایرانی قمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱۵).

قرآن کریم پیامبر اکرم ﷺ را نخستین مفسر و مبین قرآن معرفی می‌کند: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴).

علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌فرماید:

و فی الآیة دلالة علی حجیة قول النبی فی بیان الآیات القرآنیة و... یلحق به بیان اهل بیته لحديث التقلین المتواتر (کلاترئی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۵۷۱).

با توجه به حدیث ثقلین، «ثقل کبیر» یعنی اهل بیت ﷺ نیز مبین و مفسر قرآنند. بنابراین، شایسته‌ترین افراد به تفسیر قرآن، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ هستند. از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «أُوتِيَتْ الْقُرْآنَ وَ مِثْلِيهِ» قَالُوا: أَرَادَ بِهِ أَلْسِنَ (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷)؛ به من قرآن داده شده و مانند آن نیز (یعنی سنت) همراه اوست. در حدیث متواتر ثقلین نیز پیامبر ﷺ عترت یا سنت را عدل قرآن قرار داده‌اند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي».

آنچه در تفسیر مهم است تفسیر قرآن با روایات صحیحی است که به طور قطع از پیامبر و ائمه اطهار ﷺ صادر شده باشد؛ زیرا دروغ‌گوینان و جاعلان حدیث از همان آغاز بر پیامبر ﷺ دروغ بستند؛ چنان که حضرت فرمودند: «كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكُذَّابَةُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۳۹) و بدین روی شیخ طوسی مطابق روایات صحیح می‌نویسد:

ان تفسیر القرآن لایجوز الا بالآثر الصحیح عن النبی ﷺ و عن الائمة المعصومین ﷺ الذین قولهم حجّة ققول النبی ﷺ (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴).

احادیث اهل بیت ﷺ از قرآن جدا نیستند، ولی نباید روایات را در عرض قرآن مطرح دانست؛ زیرا در هنگام ارزیابی روایات، قرآن اصل و روایات فرع است. از اینجا روشن می‌شود که احادیث در طول قرآن حجت است و همراه با قرآن یک حجت واحد را تشکیل می‌دهد که پیام نهایی دین را ارائه می‌کند.

۱-۲-۱. اقسام روایات تفسیری از نظرگاه آیت‌الله مکارم شیرازی

قبل از پرداختن به تفسیر روای آیت‌الله مکارم شیرازی در مدیریت و فرماندهی در اسلام، اقسام روایات تفسیری از دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی در ذیل بیان می‌گردد:

۱-۲-۱-۱. قسم اول: روایات شأن نزول

«شأن نزول یا سبب نزول» یعنی: جریان یا موضوعی که موجب نزول یک یا چند آیه شده و یا در پاسخ به سؤالی است که از پیامبر خدا ﷺ کرده‌اند و یا در توضیح مطلب، آیاتی نازل گردیده و بی‌شک این سبب همزمان با وحی بوده است.

روایاتی که شأن نزول‌ها را بیان می‌کند یکسان و یکنواخت نیست. برخی شأن نزول‌ها مشهور و معروف است و هیچ مخالفی ندارد. برخی دیگر هرچند معروف و مشهور است، اما عده‌ای نغمه مخالفت در برابر آن ساز کرده‌اند. قسم سوم شأن نزول‌های متعارضی است که درباره یک سوره یا آیات خاصی از یک سوره گفته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۰۹).

۱-۱-۲-۲. فایده و اهمیت اطلاع از شأن نزول

آگاهی به شأن نزول آیات، اهمیت بزرگی در آشنا شدن با مفهوم آیات و حکمت‌های گوناگون در وضع قوانین الهی دارد؛ زیرا اطلاع از سبب، موجب اطلاع از مسبب است. از مفسران، آنکه به اسباب نزول آگاه‌تر بوده فهم دقیق‌تر و وسیع‌تری در تفسیر داشته است؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه‌ترین و تواناترین مردم به تفسیر قرآن بودند؛ زیرا احاطه‌ای که آن حضرت به اسباب و موجبات نزول آیات داشتند دیگران نداشتند. ایشان می‌فرماید: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَ قَدْ عَلِمْتُ فِيْمَ نَزَلَتْ، وَ أَيْنَ نَزَلَتْ، وَ عَلِيٌّ مَن نَزَلَتْ» (متقی هندی، ۱۴۳۱ق، ح ۳۶۴۰۴؛ رادمنش، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۶).

۲-۱-۲-۲. قسم دوم: روایات مفسر بطون آیات

وجود معانی باطنی برای آیات امری مسلم و انکارناپذیر است، ولی بیان معانی باطنی آیات شرایط و معیارهایی دارد. روایاتی از حضرات معصومان علیهم السلام در دست است که دلالت التزامی، به‌ویژه دلالت التزامی غیر بین آیات قرآن را بیان می‌کند که گاه «بطون آیات» نامیده می‌شود. امام معصوم علیه السلام مطابق روایات، ما را از طریق دلالت التزامی به این مفاهیم هدایت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۲۶).

۲-۱-۲-۳. قسم سوم: روایات مبین بخش‌های گوناگون قرآن

روایاتی است که ما را به بخش‌های گوناگون قرآن راهنمایی می‌کند. به عبارت دیگر، سرفصل‌های قرآن مجید را به دست ما می‌دهد و طبعاً با چنین آگاهی و شناختی، بهتر و جامع‌تر می‌توانیم قرآن مجید را تفسیر کنیم. این سرفصل‌ها عبارتند از: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، تقدیم و تأخیر، و آیاتی که لفظش عام و معنایش خاص و بالعکس است (همان، ص ۱۳۶).

۲-۱-۲-۴. قسم چهارم: روایات مبین مصداق اتم

آیات قرآن را از لحاظ فراگیر بودن معانی آنها بر مصادیق، می‌توان بر دو گونه تقسیم کرد: یک دسته از آیات معنای فراگیر و عامی ندارند و به‌طور مشخص بر موارد خاصی منطبق هستند. دسته دیگر آیاتی هستند که معنایی عام و فراگیر دارند و افراد بسیاری را دربر می‌گیرند. مشخص کردن دایره افراد عام و رفع ابهام از موارد مبهم، نوعی تلاش برای تفسیر آیات است. به عبارت دیگر، خارج کردن آیات از حالت کلی و ابهام‌زدایی از آنها و منطبق کردن آنها به امور خاص و واقعیات‌های هستی،

حوادث، اقوام و انسان‌های مشخص را «تطبیق معانی بر مصادیق» می‌گویند. تطبیق را می‌توان توسعه دایره مفاهیم و تبیین رخدادها از حیث انطباق بر آیات دانست.

این دسته از روایات مصداقی روشن و بارز دارند، بلکه مصداق کامل و اتم‌آیه را بیان می‌کنند و البته بیان مصداق غیر از شأن نزول است. شأن نزول جایی است که آیه برای بیان مطلب خاصی نازل شده و غیر از آن را شامل نمی‌شود؛ ولی در بیان مصداق، آیه مصادیق متعددی دارد که روایت روشن‌ترین و کامل‌ترین آن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه روایت بیان می‌کند مصداق منحصر به فرد نیست، بلکه مصداق اکمل و اتم آن است (همان، ص ۱۵۴).

۱-۲-۱-۲. قسم پنجم: روایات مجعول

از مهم‌ترین مشکلات روایات تفسیری، وجود روایات ساختگی است که جدا نکردن این‌گونه روایات خطر بزرگ فرهنگی در حوزه معرفت قرآنی به وجود می‌آورد. از صدر اسلام انگیزه‌های مختلف سیاسی، کلامی، مذهبی، اقتصادی، عاطفی و مانند آن موجب جعل روایات فراوانی در دین شده است.

پنجمین گروه از روایات مفسره، روایاتی است که با ظواهر آیات قرآن نمی‌سازد و ساخته دشمنان اسلام است و نباید به آنها عمل کرد. گاه دشمنان چنین روایاتی را جعل کرده و مطالب خلاف قرآنی را به حضرات معصوم^{علیهم‌السلام} نسبت داده و این شبهه را القا کرده‌اند که کلمات معصومان^{علیهم‌السلام} با آیات قرآن در تعارض است تا مقام آن بزرگواران را در نظر مردم پایین بیاورند. این روایات را باید شناخت و از روایات معتبر جدا کرد و در تفسیر قرآن به سراغ آنها نرفت (همان، ص ۱۶۹).

۲-۲-۱-۲. نمونه‌هایی از تفسیر روایی در کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

در اینجا به گونه‌هایی از تفسیر روایی، که *آیت‌الله مکارم شیرازی* در تبیین آیات از آنها بهره جسته است، اشاره می‌گردد:

مثال ۱: مدیر باید قبل از هر چیز، برای انجام وظایفی که به عهده‌اش محول شده، تصمیم‌گیری لازم را به عمل آورد و برای انجام این مقصد باید از اموری کمک بگیرد؛ مانند:

الف. آگاهی‌ها و تجربه‌های گذشته؛

ب. بهره‌گیری هرچه بیشتر از مشاوره.

از جمله آیات استدلال‌شده در مبحث مشورت در خصوص «فرماندهی و مدیریت»، آیه ۱۵۹ سوره «آل عمران» است: «وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ». اما با تمام اهمیتی که مشورت دارد، باید توجه دقیق به شرایط آن داشت؛ زیرا مشورت با کسانی که واجد شرایط نیستند نتیجه معکوس می‌بخشد. *آیت‌الله مکارم شیرازی* با استناد به برخی روایات، شرایط مشاوره را تبیین نموده است:

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: شورا شرایط و ابعادی دارد؛ کسی که به آن آگاه باشد نتیجه می‌گیرد، وگرنه زیان آن برای مشورت‌کننده بیش از سود آن است: نخست اینکه طرف مشورت فردی باشد صاحب عقل و خرد. دوم اینکه انسان آزاده و باایمانی باشد. سوم اینکه دوست و دلسوز و علاقه مند باشد. چهارم اینکه آنچنان باشد که اگر او را از سر خود آگاه کردی (تا بتوانی از او نظر خواهی کنی) در کتمان آن نهایت دقت را به خرج دهد (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۸) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۷).

همچنین پیشوای بزرگ ما، امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ۵۳ *نهج البلاغه*، مشورت با چند گروه را ممنوع ساخته، به مالک اشتر در فرمان تاریخی‌شان تأکید می‌کنند: «هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده، که تو را از نیکوکاری منصرف کرده، از فقر می‌ترساند، و نیز با ترسو و بزدل مشورت نکن که روحیه‌ات را تضعیف کرده، از تصمیم‌گیری قاطع بازمی‌دارد. همچنین حریص را به مشاوره مگیر، که حرص و ستم را در نظرت زینت می‌بخشد! زیرا «بخل» و «ترس» و «حرص» تمایلات مختلفی هستند که سرچشمه آنها سوء ظن به خداست» (همان، ص ۴۸).

مثال ۲: در قرآن مجید بر «علم» و «قدرت» به‌منزله دو ارزش مهم در مسئله‌گزینش فرمانده تأکید شده است. در آیه ۲۴۷ سوره مبارکه «بقره» آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ خدا او را بر شما برگزیده و بر دانش و توان او افزوده است. براساس این آیه، قرآن کریم شرایطی را که یهودیان برای رهبر و فرمانده نظامی تعیین کردند (یعنی داشتن ثروت و نسب عالی) نفی کرد؛ زیرا این دو امتیاز اعتباری و برون‌ذاتی است و به جای آن به شرایط اساسی رهبر (یعنی علم و قدرت جسمی که دو امتیاز واقعی و درونی است) اشاره نمود. آری، رهبر دانشمند، خود مسیر سعادت اجتماع را تشخیص می‌دهد و اصول آن را ترسیم و با قدرت خود آن را اجرا می‌کند.

آیت‌الله مکارم شیرازی در توضیح آیه با توجه به برخی روایات چنین می‌نویسد:

مدیر ناآگاه یا ناتوان تشکیلات خود را به ورشکستگی و سقوط می‌کشاند و چنین فرماندهی در میدان نبرد نیز سرنوشتی جز شکست ندارد. امام صادق علیه السلام در این زمینه چنین می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى سَرَابٍ بَقِيْعَةٍ لَا يَزِيْدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۶). و در همین زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا عَنِ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ أَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ جَمِيْعَ الْمُسْلِمِيْنَ» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۰۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۶).

نمونه‌های ذکرشده نشانگر آن است که کارآمدی روش تفسیری «قرآن به قرآن» فی الجمله است، نه بالجمله. به عبارت دیگر این روش در همه آیات و موارد راهگشا و کارآمد نیست و اگر مفسر بخواهد به مراد پروردگار در برخی آیات دست یابد، ناچار است از روایات بهره ببرد.

۲-۲. روش عقلی و اجتهادی

دین و عقل با هم رابطه‌ای ناگسستنی دارند؛ نه تنها با هم مخالف نیستند، بلکه یکدیگر را تقویت می‌کنند. دانشمندان اسلامی در علم «اصول» قاعده معروفی دارند: «کَلِمَا حَكْمٌ بِه الْعَقْلُ حَكْمٌ بِه الشَّرْعُ»؛ هر چه را که عقل به آن حکم کند شرع نیز مطابق آن حکم می‌کند. بنابراین، هر چه را عقل سلیم بپذیرد شرع هم آن را می‌پذیرد؛ ولی چون دین از ناحیه آفریننده عقل آمده است، مسائلی فراتر از درک عقل در درون خود دارد.

۱-۲-۲. تفسیر قرآن با عقل

«تفسیر عقلی» آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سلیم به تدبر و تفکر در قرآن و فهم معنای آیات (بدون تحمیل و پیش فرض) و تفسیر آن بپردازد.

«تفسیر عقلی» لزوماً استدلال عقلانی در متن آیات نیست، بلکه اتخاذ مبنایی عقلانی و در نتیجه، تبیین آیات براساس آن مبنا نیز هست. در صورتی که عقل مسلمات و موازینی قطعی به دست آورده باشد و آموخته‌های خود را براساس آنها تجزیه و تحلیل کند و یا ناسازگاری یافته‌های بیرونی را با مسلمات عقلی تفسیر و یا توجیه نماید، این روش نیز تفسیر براساس عقل است (جمعی از فضلا و نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۹).

عقل اساسی‌ترین ابزار معرفتی است که مفسر قرآن، بلکه انسان در هر عمل شناختی و ارزشی، نیازمند آن است. شناخت ذاتی عقل است و حجیت معرفت‌شناختی از آن منفک نمی‌شود. بنابراین، حجیت عقل به هیچ چیز دیگری مقید نیست، نه از جهت ثبوت و نه از جهت اثبات. درباره حجیت عقل در تفسیر قرآن نیز بر همین اساس نمی‌توان تردید کرد و یافته‌های عقل نیز از منابع معرفتی تفسیر قرآن به‌شمار می‌روند. با این حال برای تأیید حجیت آن در تفسیر قرآن به دو آیه اشاره می‌شود:

– «قَدْ نَبَّأْنَا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸؛ حدید: ۱۷)؛ به تحقیق آیات را برای شما روشن کردیم،

اگر خرد بورزید.

– «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲)؛ همانا قرآن را عربی نازل کردیم؛ باشد که شما خرد بورزید.

تفسیر «قرآن به عقل» تفسیر به رأی نیست؛ زیرا یافته‌های عقلانی علم و کشف واقع‌اند و تفسیر بر مبنای آن، تفسیر به علم خواهد بود، نه تفسیر به رأی.

۲-۲-۲. شواهد تفسیر عقلی و اجتهادی

۱. برای فهم قرآن کریم خداوند متعال مردم را به تدبر در آیات دعوت نموده است و این نشان می‌دهد که قرآن برای عموم مردم قابل فهم است؛ چنان که می‌فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ»؛ اما چون آیات قرآن دارای مراتب و نیز دارای تأویل، بطن، کنایات، استعارات، تمثیل و مانند آن است همه مردم نمی‌توانند تمام قرآن را بفهمند. بدین‌روی قرآن کریم نیاز به تفسیر دارد.

۲. سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام همواره بر این بوده که شاگردانی را برای درک و فهم قرآن یا احکام شرعی تربیت می‌کرده و به آنها اجازه اجتهاد و استنباط از آیات و روایات می‌داده‌اند.

۳. چون قرآن کتاب هدایت است و مردم را از تاریکی‌ها نجات می‌دهد و به سوی نور حقیقی راهنمایی می‌کند، باید عالمان و آگاهانی باشند تا آنچه را بر مردم عادی و مشتاقان معارف قرآن روشن نیست، روشن و مردم را از تاریکی‌ها و گمراهی‌ها نجات دهند، و این خود بدون اجتهاد در تفسیر میسر نمی‌شود.

۴. آیاتی از قرآن که مربوط به خردمندان است آنها را دعوت می‌کند تا از این کتاب الهی عبرت گیرند و راه سعادت را با تمسک به آن برخورد هموار سازند. این عده که دارای اندیشه و ادب در حد مطلوبی هستند، تفسیر قرآن برایشان مجاز است.

۵. در حدیث نبوی آمده است: «الْقُرْآنُ ذُلُومٌ ذُووَجُوهِ، فَاحْمِلُوهُ عَلَىٰ أَحْسَنِ الْوُجُوهِ» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۵)؛ قرآن همراه حاملان خویش است و معانی و وجوه متعددی دارد؛ آن را بر نیکوترین وجه حمل نمایید. در این بیان دلالت روشنی است بر اینکه استنباط و اجتهاد در کتاب خدای متعال جایز است (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۶۸).

۲-۲-۳. ارزیابی روش عقلی و اجتهادی

در صحت این روش بحثی نیست، منتها باید به چند نکته توجه نمود:

اولاً، در تفسیر قرآن توجه به عقل و تدبر در آیات لازم است، ولی این تنها کافی نیست.

ثانیاً، مفسر در روش عقلی و اجتهادی باید کوشش نماید در دام «تفسیر به رأی» گرفتار نشود و تفسیر به رأی خود را «تفسیر اجتهادی» نامد و آراء خود را بر قرآن تحمیل نکند.

ثالثاً، توجه به عقل و اجتهاد او را از مراجعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام باز ندارد و تصور نکند عقل به‌تنهایی کافی است و روایات تنها جنبه ارشادی دارند. چنین نیست که تمام آیات بدون مراجعه به پیامبر و اهل بیتهش برای بشر کاملاً قابل فهم باشد.

۲-۲-۴. نمونه‌هایی از تفسیر عقلی و اجتهادی در کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

آیت‌الله مکارم شیرازی از طریقه عقلی نیز در کتاب مذکور استفاده کرده که دیدگاه و استنباط‌های ایشان در این طریقه، روشن است. ایشان از گونه‌های روش «تفسیر عقلی» بهره برده است. گاه در جمع‌بندی آیات قرآن کریم و گاه در جمع بین روایات رسیده به این روش توجه نموده است؛ گاه در جمع بین اقوال مفسران و نتیجه‌گیری و گاه در استنباط یک مسئله فقهی و احیاناً در موارد دیگر. در اینجا به اختصار به نمونه‌هایی از روش تفسیر «عقلی» ایشان اشاره می‌شود:

مثال ۱: آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد:

پیامبر اسلام با تمام تأکیدی که روی خلوص نیت شرکت‌کنندگان در میدان جهاد داشت و از هر گونه هدفی جز خدا و «جهاد فی سبیل‌الله» بر حذر می‌داشت، جنگجویان را به حکم قوانین اسلام، مشمول تشویق مادی از طریق «تقسیم بخشی از غنایم جنگی» می‌نمود و از آن بالاتر، خداوند با تمام عظمتش، در کنار پاداش‌های عظیم معنوی مانند «أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» و «رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» پاداش‌های مادی «جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» و مانند آن را مطرح کرده تا از طریق این وعده‌های راستین، تمام نیروهای نهفته وجود انسان را بسیج کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۷).

طبیعی است که میان تشویق و کار انجام‌شده باید تناسبی وجود داشته باشد و سلسله‌مراتب و کمیت و کیفیت در این زمینه ملحوظ گردد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «الْثَنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلُوقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عَىٰ أَوْ حَسَدٌ»؛ ثنا گفتن و تمجید بیش از حد شایستگی و لیاقت، تملق و چاپلوسی است، و کمتر از حد لازم، ناشی از عجز یا حسد است (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۴۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۲۳).

مثال ۲: آیت‌الله مکارم شیرازی درباره استدلال دختر حضرت شعیب علیه السلام در استخدام حضرت موسی علیه السلام چنین می‌آورد:

در داستان موسی و شعیب به هنگامی که یکی از دختران شعیب پیشنهاد انتخاب موسی را برای سرپرستی اموال خانواده شعیب و چوپانی گوسفندان می‌دهد، روی «قوت» و «امانت» او تکیه می‌کند و می‌گوید: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ پدرم، او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کس است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است) (همان، ص ۱۳۱).

مثال ۳: بی‌شک یکی از ابعاد سازنده شخصیت انسان وراثت است، تا آنجا که بعضی شخصیت آدمی را در سه بعد «وراثت» و «محیط» و «تعلیم و تربیت» خلاصه کرده، آن را «مثلث شخصیت» نام نهاده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره چنین ذکر می‌کند:

تأثیر وراثت را در شخصیت، به عنوان یک عامل مهم نمی‌توان انکار کرد. در قرآن مجید و روایات و زیارات، اشارات زیادی به این معنی دیده می‌شود. در سوره «نوح» می‌خوانیم:

این پیامبر بزرگ هنگامی که تقاضای عذاب برای مشرکان می‌کند، تقاضای خود را با این دلیل مقرون می‌سازد: «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح: ۲۷)؛ چراکه اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۵).

۳-۲. روش اجتماعی و روزآمد

در این جنبه، مفسر به طرح گسترده و عمیق مباحث اجتماعی قرآن اهتمام نشان داده، می‌کوشد به همه آیات قرآن از زاویه طرح و حل مسائل و مشکلات اجتماعی جوامع بشری و به طور خاص جامعه مسلمانان بنگرد و به تفسیر

بپردازد. همچنین سعی دارد با تطبیق آموزه‌های قرآن کریم بر مسائل اجتماعی، مشکلات و مسائل اجتماعی را بر قرآن عرضه کرده، با جست‌وجوی راه‌حل‌ها و درمان آنها، جامعه اسلامی را به سمت تحول و پیشرفت سوق دهد. به سبب اهتمام قرآن کریم در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی انسان و تنظیم روابط اجتماعی آحاد مردم، هیچ تفسیر قرآنی از طرح مسائل اجتماعی عاری نیست. از این نوع تفسیر، گاهی به تفسیر «عصری» نیز تعبیر می‌شود. *آیت‌الله معرفت* در توضیح این تفسیر می‌نویسد:

«تفسیر عصری» آن است که چهره‌ای نو - متناسب با نیازهای روز - از قرآن نمایانده شود و حقیقتی جدید از پیام قرآن عرضه شود؛ زیرا اگر از نظر محتوا و تأمل در معانی و تطبیق شرایط، حرکتی و دگرگونی‌ای انجام نشده باشد، حقیقتاً چنان تحولی انجام نگرفته و تفسیر به معنای واقعی نو نشده است. گرچه آرایش ظاهری در تعبیرها و کلمات در جای خود پسنیدیده و نیکوست، اما آنچه در تفسیر عصری مهم است تبیین دیدگاه‌های قرآن نسبت به تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در این صورت است که نیازهای عصر و ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای جامعه کنونی اسلامی در سایه بیانات قرآنی روشن می‌گردد؛ موضوعاتی چون آزادی، حق انتخاب، جایگاه شورا در تشکیلات حکومتی، حقوق متقابل دولت و مردم، روابط فرد با جامعه، روابط افراد خانواده براساس فرهنگ جدید، روابط بین‌الملل، روابط اقتصادی و فرهنگی و نظامی و برخورد با ملت‌ها، به ویژه خارج از مذهب و دیگر مسائل انبوهی که امروزه در جامعه دینی مطرح است و نظام اسلامی با آنها درگیر است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۵۹).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌نویسد:

هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌ها و گرفتاری‌های مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است، می‌باشد. افراد پیروز و موفق آنها هستند که هم آن نیازها و تقاضاها را درک می‌کنند و هم این مشکلات و گرفتاری‌ها را، که مجموع آنها را «مسائل عصری» می‌توان نامید. رسالت دانشمندان هر عصر این است که با هوشیاری کامل این مسائل، این تقاضاها، این نیازها و این خلأ روحی و فکری و اجتماعی را فوراً دریابند و آنها را به شکل صحیحی بر کنند تا با امور دیگری بر نشود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۳).

۱-۳-۲. نمونه‌هایی از تفسیر اجتماعی در کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام»

با توجه به تعریف و توصیف «تفسیر اجتماعی»، به نمونه‌هایی از «تفسیر اجتماعی» *آیت‌الله مکارم شیرازی* در کتاب *مدیریت و فرماندهی در اسلام* اشاره می‌کنیم:

مثال ۱: در تبیین اوصاف پنجگانه‌ای که قرآن در آیه ۱۲۸ سوره «توبه» برای پیامبر اکرم ﷺ ذکر می‌کند، یکی از صفات ویژه این رهبر بزرگ، این مدیر و فرمانده بی نظیر را «عشق به هدایت مردم» می‌شمرد و از آن

به «حَرِيصٌ عَلَيَّكُمْ» تعبیر می‌کند که تعبیری است بسیار رسا و گویا و به یقین اگر آن عشق سوزان به هدایت خلق نبود، آن همه ناملازمات را با آغوش باز استقبال و تحمل نمی‌کرد. شاید تعبیر به «أب» (پدر) درباره پیامبر گرامی ﷺ و حضرت علیؑ در آنجا که می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَكْبَرُ مِنْ حَقِّ أَبِي وَ لِأَدَّتِيهِمْ؛ فَإِنَّا نُنْفِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنْ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَ نَلْحِقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَخْرَارِ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ص ۳۴۳) «من و علی دو پدر این امت هستیم...» نیز اشاره به همین مطلب است که رابطه ما با این امت رابطه عاطفی پدرانه است؛ پدری که برای نجات و پیشرفت فرزندش دل می‌سوزاند و به او عشق می‌ورزد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۵۰).

مثال ۲: آیت‌الله مکارم شیرازی در تبیین هدف حکومت و مدیریت اسلامی می‌نویسد: بی‌تردید، اسلام به مسئله حکومت به‌عنوان یک «هدف» نمی‌نگرد، بلکه آن را یک «وسیله» برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی مذهب می‌شمرد. در یک بررسی کلی، چهار هدف عمده بیش از همه جلب توجه می‌کند که نه‌تنها حکومت اسلامی، بلکه مدیریت‌هایی که از آن نشئت می‌گیرند نیز باید در مسیر این چهار هدف گام بردارد: (۱) آگاهی بخشیدن به انسان‌ها؛ (۲) تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی؛ (۳) اقامه قسط و عدل به صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه؛ (۴) آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت.

بهتر این است که برای درک عمق این اهداف، از خود قرآن که اصیل‌ترین و معتبرترین سند دینی ماست، کمک بگیریم. قرآن درباره اصل «آگاهی» و «تربیت انسانی» چنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يُتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ او (خداوند) کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در اینجا هدف بعثت را نجات بشریت از «ضلال مبین»، از طریق تلاوت آیات الهی و تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت (انواع علوم) برشمرده، پیامبر ﷺ را موظف ساخته است جهت‌گیری برنامه‌های خود را براساس وصول به این دو هدف بزرگ «تعلیم» و «تربیت» تنظیم کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱).

مثال ۳: از جمله دستورهای اجتماعی قرآن که پیامبر اکرم ﷺ مأمور به اجرای آن شد، اجرای عدالت و رساندن حق هر ذی‌حقی به اوست. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد:

اقامه قسط و عدل، آن هم به صورت خودجوش و برخاسته از عمق جامعه هدف مهم دیگری است که در قرآن به منزله هدف عمومی بعثت انبیا مطرح گردیده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند... (همان، ص ۲۳).

نتیجه‌گیری

اهمیت بازخوانی اندیشه‌های اجتماعی *آیت‌الله مکارم شیرازی* بدان روست که با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و در پاسخ به مسائل اجتماعی جهان جدید، به تولید اندیشه اجتماعی همت گمارده است.

اختلافی که انسان‌ها در جهان‌بینی دارند، تأثیر زیادی در روش زندگی آنها دارد.

در روش تفسیر «قرآن به قرآن»، دستیابی به مراد واقعی خدای متعال، با توجه به آیات دیگر قرآن کامل می‌گردد.

احادیث اهل بیت علیهم‌السلام از قرآن جدا نیست، ولی نباید روایات را در عرض قرآن مطرح دانست؛ زیرا هنگام ارزیابی روایات، قرآن اصل و روایات فرع است.

روش «جری و تطبیق» و بهره‌گیری درست و روشمند از آن یکی از کارآمدترین شیوه‌هایی است که قرآن را از گرفتار شدن در دام رکود و درجازدگی ننگه می‌دارد.

مفسر در روش «عقلی و اجتهادی» باید کوشش کند در دام «تفسیر به رأی» گرفتار نشود و تفسیر به رأی خود را «تفسیر اجتهادی» نامد و آراء خود را بر قرآن تحمیل نکند.

«تفسیر عصری و روزآمد» چهره‌ای نو و متناسب با نیازهای روز از قرآن می‌نماید و حقیقتی جدید از پیام قرآن از نظر محتوا و تأمل در معانی و تطبیق شرایط عرضه می‌کند.

مطالعه کتاب *مدیریت و فرماندهی در اسلام* برای همه کسانی که می‌خواهند اسلام را بهتر و عمیق‌تر بشناسند مفید و راهگشاست، به‌ویژه اینکه هیچ‌کس از نوعی مدیریت برکنار نیست؛ دست‌کم، مدیریت در خانه خود.

منابع

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ایرانی قمی، اکبر، ۱۳۸۷، *روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه.
- جمعی از فضلا و نویسندگان، ۱۳۸۲، *مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی*، قم، دارالحدیث.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
- رادمش، محمد، ۱۳۷۴، *آشنایی با علوم قرآنی*، تهران، جامی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۳۸۰، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چ سوم، تهران، امیرکبیر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، *طبقات مفسران شیعه*، قم، نوید اسلام.
- علوی‌مهر، حسین، ۱۳۸۱، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، قم، اسوه.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر العیاشی*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۸۲، *قرآن منشور زندگی*، تهران، احسان.
- کلانتری، الیاس، ۱۴۲۱ق، *مختصر المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسوه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۳۱ق، *کنز العمال فی سنن الأفعال والأقوال*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۲، *گزیده سناختنامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۸۹، *مدیریت و فرماندهی در اسلام*، چ دوازدهم، قم، نسل جوان.
- _____، ۱۳۹۵، *مبانی تفسیر قرآن: مجموعه بحث‌های تفسیری آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی*، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، قم، امام علی بن ابی‌طالب.
- مؤدب، رضا، ۱۳۸۰، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم، اشراق.